

## الگوهای اقتباسی نظام آموزش و پرورش ایران در دوره قاجار و پهلوی

شکست ایران از روسیه در سال‌های (۱۱۸۳-۱۱۹۲ ش) و (۱۲۰۵-۱۲۰۶ ش) که به از دست رفتن سرزمین‌های بزرگی از کشور ما انجامید و انعقاد دو قرارداد ننگین گلستان و ترکمانچای را در پی داشت، سیاست‌مداران و حاکمان کشور را بر آن داشت تا برای کسب علوم و فناوری روز، نیروی انسانی متخصص و حرفه‌ای تربیت کنند. اعزام دانشجو و محصل به خارج از کشور در دو مرحله، پیش از تأسیس دارالفنون، با آنکه دستاوردهایی به همراه داشت، نتوانست گشایش چندانی در حل این مشکل ایجاد کند؛ بنابراین امیرکبیر که فردی وطن‌دوست، ترقی‌خواه و آزاده بود، به فکر تأسیس مدرسه دارالفنون افتاد. تربیت نیروی انسانی متخصص در محیط بومی و فرهنگی کشور، با بهره‌گیری از اساتید متخصص غیرایرانی (از کشورهای غیراستعماری) و اساتید ایرانی، و نیز از طریق برنامه‌های درسی تلفیقی، در این مسیر بسیار موفق بود. اما حضور اساتید اتریشی و فرانسوی و متعاقباً فارغ‌التحصیلان ایرانی بازگشته از غرب، موجب شد ساختار نظام آموزشی غربی (به‌ویژه الگوی فرانسوی) در نظام آموزشی ایران کم‌کم اقتباس شود. این روند بعدها با گسترش آموزش عمومی، پس از تأسیس مدارس ابتدایی توسط زنده‌یاد رشیدی (۱۲۷۵ ش) تا دوران پهلوی اول، ادامه یافت. در دوران پهلوی اول، تأکید بر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و گرایش سیاسی رضاشاه به آلمانی‌ها سبب شد الگوی آموزش فنی و حرفه‌ای آلمان برای توسعه هنرستانهای فنی و حرفه‌ای و مدارس مهارتی اقتباس شود و به الگوی پیشین آموزش افزوده گردد.

در دوره پهلوی دوم، با غلبه اقتصادی و سیاسی آمریکا و اجرای اصول چهارگانه ترومن در خاورمیانه و ایران، به تدریج الگوی

نظام آموزشی آمریکا نیز اقتباس شد و در آموزش عالی، در کنار نظام آموزشی فرانسه، در دوره آموزش عمومی رواج یافت. گرچه در این دوران، حدود ۱۳۰ سال پس از تأسیس دارالفنون تا دوره پهلوی دوم، تلاش شد نظام آموزشی ضمن مدرنیزاسیون و اقتباس از الگوهای غربی، تا حدی اهداف سیاسی حاکمیت را پوشش دهد، تأسیس دفتر تحقیقات آموزشی در کنار سازمان کتاب‌های درسی که برگرفته از موسسه فرانکلین بود و نیز تأسیس مدرسه تجربی ذیل این دفتر برای بومی‌سازی محتوای ترجمه‌شده را شاید بتوان در راستای تحقق آن اهداف آموزشی ارزیابی کرد.

با تصویب قانون تشکیل سازمان «پژوهش و نوسازی آموزشی» در سال ۱۳۵۵ش، مدرسه تجربی، هم‌زمان با دفتر تحقیقات و با آن در کنار سازمان کتاب‌های درسی تأسیس شد؛ این مدرسه با همان ترکیب مدارس معمولی، از نظر اداری زیر نظر آموزش و پرورش تهران و از نظر محتوایی با نظارت دفتر تحقیقات آن سازمان اداره می‌شد و به‌عنوان فضایی برای اجرای آزمایشی برنامه‌های درسی در نظر گرفته شده بود.

در این شماره، مقاله‌ای در این باره ارائه شده است؛ اما به نظر می‌رسد بررسی اهمیت، ضرورت و نتایج فعالیت این مدرسه در کیفیت‌بخشی به محتوای آموزشی، توسط محققان و پژوهشگران مجرب حوزه آموزش، همچنان ضروری است. افزون بر این، به نظر می‌رسد برای تدوین یک نظام آموزشی بومی و ملی متناسب با ارزش‌های فرهنگی ایرانی و اسلامی، لازم بود علاوه بر مدرسه تجربی، یک مدرسه استاندارد نیز بر اساس فلسفه آموزشی و پرورشی بومی طراحی و تأسیس شود تا نظام‌های آموزشی بتواند خود الگوهای جدید متناسب با فرهنگ ما ارائه کند.